



## نقش سطح تحصيلات جوامع محلی در پایداری سازی مشارکتی زمین لغزش

(مطالعه موردی: شهرستان مرودشت)

محسن محسنی ساروی<sup>۱</sup>، پیام ابراهیمی<sup>۲</sup>، جمیله سلیمی کوچی<sup>۲</sup>

۱- استاد گروه احیا مناطق خشک و کوهستانی دانشگاه تهران

۲- دانشجویان دکتری گروه احیا مناطق خشک و کوهستانی دانشگاه تهران

Ebrahimi1393@ut.ac.ir

### چکیده

مشارکت در طرح‌های اجرائی فرآیندی است که تحقق دستیابی به اهداف را ممکن می‌سازد و نقشی که سطح تحصيلات در آن ایفا می‌نماید بر هیچ کسی پوشیده نیست. این پژوهش در شهرستان مرودشت استان فارس در زمینه پایداری سازی زمین لغزش در یکی از مناطق لغزشی به بررسی نقش تحصيلات بر روند مشارکت و همکاری مردم با اداره منابع طبیعی شهرستان مرودشت پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد رابطه‌ی معنی‌داری میان سطح تحصيلات و میزان مشارکت فعال ذینفعان در راستای پایداری زمین لغزش وجود دارد. هرچه میزان تحصيلات افزایش می‌یابد میزان مشارکت نیز ارتباط معنی‌داری داشته و روند رو به رشدی را طی می‌کند. نتایج آزمون Scheffe test نشان می‌دهد که تفاوت در میان سطوح تحصيلات بیسواد، با دیپلم، ارشد و سیکل دیده می‌شود و میان دیگر سطوح تحصيلی تفاوت معنادار دیده نشد. همچنین بین مقطع ارشد با دو مقطع دیپلم و سیکل به لحاظ مشارکت تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه با میانگین‌های هر سطح تحصيلی بیشترین مشارکت مربوط به سطح تحصيلات لیسانس (میانگین ۴/۲۳) و کمترین آن مربوط به سطح تحصيلات بیسواد (۲/۶۰) بوده است.

کلمات کلیدی: جوامع محلی، مشارکت، زمین لغزش، تحصيلات، مرودشت.

### مقدمه

مشارکت پذیری اعضای جامعه به‌عنوان نیاز اجتناب ناپذیر عصر ما همه ابعاد انسانی را در سطوح مختلف فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می‌دهد. فرآیند مشارکت پذیری از رویکردهای متفاوتی قابل توجه است اما نظام‌مند بودن کنش اجتماعی ایجاد می‌کند تا شرایط و موانع فرهنگی مشارکت پذیری اعضای جامعه بررسی شود و سطوح دانش و سطح تحصيلات اجتماعی و فرهنگی و نقش آن بر مدیریت مشارکتی مشخص گردد (حسن‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳؛ حلاجیان و همکاران ۱۳۹۱). امروزه مقوله مشارکت مردم شرط توفیق هر نوع برنامه و رهیافت کلان اقتصادی، اجتماعی و توسعه به‌شمار می‌رود و علت این امر نیز گستردگی و تنوع زمینه‌های مشارکت است بنابراین هرگز نمی‌توان به برداشتی محدود از مفهوم فراگیر مشارکت اکتفا کرد زیرا با توجه به سطح تحصيلات افراد میزان مشارکت اجتماعی متغیر است (تولایی و علی‌پور، ۱۳۹۳). از طرفی مشارکت اجتماعی در یک محدوده جغرافیای صورت می‌گیرد که نام آن حوزه آبخیز است و این حوضه دارای خصوصیات جغرافیایی و فضایی مخصوصی است.

ایران با توپوگرافی عمدتاً کوهستانی، فعالیت زمین‌ساختی و لرزه‌خیزی زیاد، شرایط متنوع زمین‌شناسی و اقلیمی، عمده شرایط طبیعی را برای ایجاد طیف وسیعی از زمین لغزش‌ها داراست. زمین لغزش در ایران به‌عنوان یک بلای طبیعی، سالیانه خسارات جانی و مالی فراوانی به کشور وارد می‌سازد. اگر برای بلایای طبیعی دیگر احتمال وقوع هر از چندگاهی قائل



شویم، پتانسیل وقوع پدیده لغزش در کشور را باید هر لحظه در نظر گرفت. بر اساس یک برآورد اولیه، سالیانه ۵۰۰ میلیارد ریال خسارت‌های مالی از طریق زمین لغزش‌ها بر کشور تحمیل می‌شود و این در صورتی است که از بین رفتن منابع طبیعی غیرقابل بازگشت به حساب آورده نشوند (کمک پناه و همکاران، ۱۳۷۳). این پدیده همه ساله در اکثر استان‌های کشور موجب خسارت‌های اقتصادی به راه‌ها، خطوط آهن، خطوط انتقال نیرو و ارتباطات، کانال‌های آبیاری و آبرسانی، تأسیسات معدنی، تأسیسات استخراج، پالایش نفت و گاز، شبکه شریان‌های حیاتی داخل شهرها، کارخانه‌ها و مراکز صنعتی، سدها و دریاچه‌های مصنوعی و طبیعی، جنگل‌ها و مراتع و منابع طبیعی، مزارع و مناطق مسکونی و روستاها گشته یا آن‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. برای مقابله با این بحران راهی جز مشارکت اعضای جامعه در معرض خطر نخواهد بود. نتایج تحقیقات نشان داده است که افراد با سطوح مختلفی از تحصیلات واکنش مختلفی را نسبت به بحران خواهد داشت. مشارکت زمانی که بحران، اعضای کل جامعه ذینفع را تهدید می‌کند و ذینفعان می‌کوشند با آن مقابله کنند به اوج خود می‌رسد و هر کنشگر بر مبنای سطوح تحصیلات و آشنایی با بحران راهکاری حل‌گرایانه را در پیش می‌گیرد. مشارکت در ظاهر معنای واژه، به شریک شدن دو نفر و یا بیشتر در امری، در کاری چه در جهت رخ دادن یا جلوگیری از رخ دادن آن امر یا کار، اطلاق می‌شود. مشارکت در توسعه از جمله یکی از مفاهیم بسیار رایج شده دهه اخیر است که جایگاه مشارکت را به نحوی باور نکردنی ارتقا بخشیده و گسترده ساخته است. در این محدوده مشارکت به معنای فرآیند درگیری برابانه، عادلانه و فعال تمامی ذی‌مدخلان در تدوین خط مشی‌ها و گزینش راهبردها و در تجزیه و تحلیل، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی فعالیت‌های توسعه، به کار می‌رود (موسوی، ۱۳۹۱).

در راستای مقابله با بحران زمین‌لغزش مشارکت به معنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی معین است که در آن پیگیری اقدامات به صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). مشارکت با توزیع مجدد قدرت سیاسی و اقتصادی در مسیر توسعه پیوند دارد و معمولاً افرادی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار هستند میزان تاب‌آوری و سازگاری بالاتری به نسبت سایر ذینفعان در مواجهه با بلایای طبیعی را دارند. مشارکت مردمی جزء حیاتی راهبردهای توسعه است که واجد سه عملکرد عمده می‌باشد، مشارکت اجتماعی ابتدا احساس ارزشمندی مردم را تضمین می‌کند. دوم اینکه مشارکت به عنوان وسیله‌ی ارزشمندی برای بسیج، سازماندهی و تعالی بخشیدن به فعالیت‌های توسعه‌ای خود مردم به شمار می‌رود. سوم اینکه مشارکت به مثابه کانالی است که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان و بزرگتر تصمیم‌گیری دسترسی پیدا کنند. بدون مشارکت، راهبردهای توسعه، غیرمردمی بی‌نتیجه خواهد بود. مشارکت به‌عنوان واقعیتی اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و فرآیندی است که با گذشت زمان دگرگون و متکامل شده است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴). رویکرد مشارکتی و در نظر گرفتن بهره‌برداران به‌عنوان یک قطب اصلی در منابع طبیعی امری ضروری بوده و بسیاری از چالش‌های مدیریت مشارکتی را می‌توان با این رویکرد حل و فصل نمود (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۲؛ قربانی و همکاران، ۱۳۸۹). برای مقابله با تخریب منابع طبیعی و رفع نگرانی‌ها در مورد مدیریت منابع طبیعی، مشارکت و همکاری بین ذینفعان یکی از نیازهای اساسی است (Schulz, 2011). نظری نوقابی و همکاران (۱۳۹۱) و حسن‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در طی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که میزان رضایت از طرح‌ها و پروژه‌های اجرا شده انگیزه مشارکت را افزایش داده و افراد فاقد شغل فرعی احتمال عضویت در گروه‌های توسعه روستایی و مشارکت در فعالیت‌های روستایی بالاتری را دارند. سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین نتایج به‌دست آمده از طرح‌های مشارکتی است (Mandarano, 2009).

دستیابی به توسعه پایدار بر پایه استفاده بهینه از منابع طبیعی و انسانی و اتخاذ راهکارهای مدیریتی صحیح در راستای مقابله با خطرهایی نظیر زمین‌لغزش امکان پذیر است. محدودیت منابع، بحران‌های زیست محیطی و فعالیت‌های انسانی و نیز



به خطر انداختن منابع محدود از عوامل اصلی نگرش‌های جدید به توسعه و توجه به پایداری آن است، به‌گونه‌ای که در مفهوم توسعه انسانی پایدار، توسعه با بهره‌برداری منطقی و بهینه از منابع و فرصت‌ها مترادف گردیده است. امروزه دیگر صحبت از حفظ محیط‌زیست، منابع طبیعی، جنگل‌ها و مراتع و سایر منابع محیط طبیعی نه موضوعات تخصصی ویژه رشته‌ای خاص بلکه موضوع ادامه‌ی بقای جامعه‌ی انسانی، عدالت اجتماعی-اقتصادی و توسعه‌ی پایدار است که بین تداوم بقای انسان بر روی زمین و محیط طبیعی ارتباط و همبستگی شدیدی برقرار کرده است که نقصان در هر یک از عوامل طبیعی، می‌تواند به منزله‌ی پایان حیات انسانی تلقی گردد.

برخی براین باورند، نوع‌دوستی فداکاری را در کنه خود دارد، اما واضح است در رفتار کمک‌رسانی به دیگران بیش از عنصر فداکاری، خود مسئولیتی و دغدغه خاطر برای دیگران همراه با سطوح معرفتی از بحران مطرح می‌شود. این عناصر هنجارهای اجتماعی را در جامعه منعکس می‌سازند و فرض بر این است که این نوع رفتارها برای ارتباط و پیوند ضروری می‌باشد (شکوری، ۱۳۸۴). از نظر تئوری پردازان مکتب مبادله بسیاری از رفتارهای انسانی، از جمله اعمال خیرخواهانه در چارچوب مبادلات انسانی قابل تبیین هستند. همان طوری که در روابط بین انسان‌ها مادیات رد و بدل می‌شوند فرآیندهایی نظیر دوستی‌ها و علائق اجتماعی نیز با یکدیگر مبادله می‌شوند. این تئوری پردازان با توجه به چارچوب تئوریک این مکتب، به کسب بیشتر پاداش در مقابل کمترین هزینه اشاره می‌کنند و معتقدند که انسان‌ها سعی می‌کنند در مناسبات خود پاداش بیشتری یعنی بیش از آنچه هدیه می‌کنند را به‌دست آورند. در واقع، چنین انگیزه‌ای آن‌ها را به سوی کمک به دیگران سوق می‌دهد اما آنچه که زمینه ساز مشارکت جوامع اجتماعی خواهد بود دانش و سطح سواد افراد ذینفع می‌باشد. (شکوری، ۱۳۸۴). در این پژوهش در بخشی از شهرستان مرودشت به‌منظور اثبات نظریه دانش و سطوح تحصیلات و نقش مؤثر آن‌ها بر پایداری زمین لغزش تلاش گردید اهمیت سطح تحصیلات در راستای مشارکت بیش از پیش را مبرهن سازد.

## مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه، در استان فارس، شهرستان مرودشت، بخش کامفیروز در موقعیت  $X=619240$  و  $Y=334760$  در سیستم مختصات UTM واقع شده است. این منطقه در یک کیلومتری جنوب غرب روستای آب باد واقع است. دسترسی به منطقه از طریق جاده آسفالت تنگ شول به سپیدان امکان پذیر می‌باشد. شکل ۱ موقعیت منطقه و شکل ۲ موقعیت زمین لغزش را نشان می‌دهد (مقیم، ۱۳۹۱).

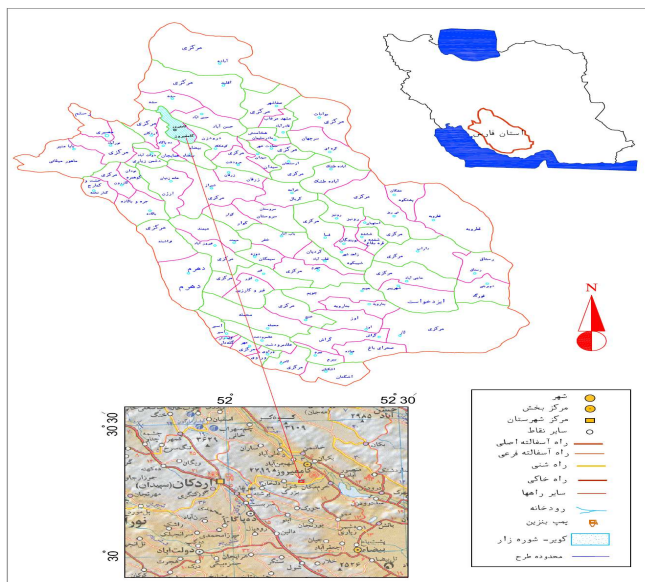


# یازدهمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران توسعه مشارکتی در مدیریت حوزه‌های آبخیز

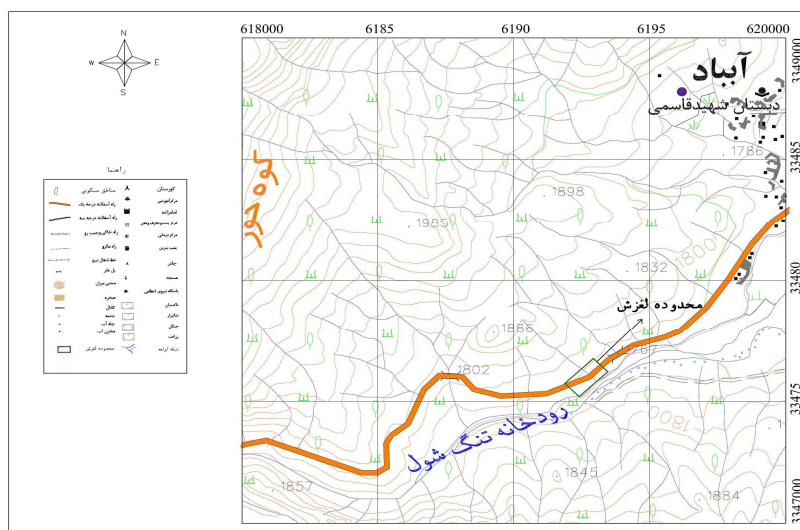
## 11th National Conference on Watershed Management Sciences and Engineering of Iran Participatory Development in Watershed Management



۳۱ فروردین لغایت ۲ اردیبهشت ۱۳۹۵  
April 19-21, 2016



شکل ۱- موقعیت محدوده طرح و راههای دسترسی به آن



شکل ۲- محدوده زمین لغزش

### بررسی وضعیت فعالیت‌های انسانی انجام شده در محدوده مورد بررسی

منطقه لغزش بالاتر از روستای آب باد در مسیر جاده روستایی خرم مکان - سپیدان قرار گرفته است که عمده فعالیت‌های انسانی انجام شده در محدوده مورد بررسی عبارتند از :

- ۱- احداث جاده آسفالتی ارتباطی خرم مکان - سپیدان در محور لغزش
- ۲- عبور تیر برق‌های بین روستایی در بالا دست محور لغزش
- ۳- عبور خط تلفن بین روستایی در بالا دست محور لغزش



۴- احداث دو کانال انتقال آب از رودخانه جهت آب کشاورزی مربوط به سه روستای خرم مکان، آب باد و عباس آباد  
شکل ۳ نمایی از محدوده لغزش و فعالیت‌های انسانی انجام گرفته شده در محدوده لغزش را نشان می‌دهد.



شکل ۳- نمایی از محدوده لغزش و فعالیت‌های انسانی

#### تعیین نقش فعالیت‌های انسانی در ایجاد و تشدید موجود یا ایجاد لغزش‌های آتی

در این پژوهش با همکاری اداره کل منابع طبیعی استان فارس در پروژه مطالعات اقتصادی - اجتماعی اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد و در راستای ارتقای مسئله مشارکت ذینفعان محلی ارائه گردیده است تا نقش فعالیت‌های انسانی در ایجاد و یا تشدید لغزش مورد بررسی قرار گیرد. منطقه فعالیت‌های انجام گرفته شده در محدوده مورد بررسی (جاده، کانال انتقال آب، تیر برق و ...) به طور مستقیم در ایجاد و تشدید لغزش نقشی موثری ندارند. همچنین سایر فعالیت‌های انجام گرفته شده در منطقه مثل ساخت سازهای عمرانی و کشاورزی و ... در پایین دست منطقه لغزش صورت پذیرفته که به دلیل قرار گرفتن در خارج از محدوده لغزش، تاثیری بر ایجاد و تشدید لغزش ندارند. محدوده لغزش از نظر زمین‌شناسی دارای تشکیلات مارنی بوده که این تشکیلات با نفوذ آب به صورت توده‌ای حرکت می‌کنند. در محدوده مورد مطالعه، حرکت توده‌ای تشکیلات مارنی به صورت طبیعی بوده و فعالیت‌های انسانی هیچ‌گونه نقشی در ایجاد آن ندارند.

لغزش ایجاد شده تاثیر زیادی بر جاده ارتباطی و کانال انتقال گذاشته، به طوری که هر ساله، باعث تخریب جاده و کانال انتقال آب شده خسارات زیادی را در منطقه ایجاد می‌کند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت عوامل طبیعی که ناشی از خصوصیات زمین‌شناسی منطقه می‌باشد به طور عمده ایجاد لغزش می‌نماید.



#### بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی منطقه

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، در پایین دست محدوده لغزش سه روستای خرم مکان، آب باد و عباس آباد قرار گرفته که وضعیت لغزش بر روند اقتصادی این سه روستا به علت تخریب کانال آبرسانی تاثیر می‌گذارد. اقتصاد این سه روستا، مبتنی بر فعالیت‌های کشاورزی و دامداری بوده که زراعت در اولویت اول و دامداری در اولویت دوم می‌باشد و به عنوان فعالیت‌های مکمل و جنبی، کارگری و صنایع دستی نیز انجام می‌گیرد.

#### ۱- روستای خرم مکان

جمع خالص درآمد این روستا از بخش کشاورزی برابر ۴۵۷۸۰۰۰۰۰۰ ریال در سال ۹۲ می‌باشد که با توجه به تعداد ۱۰۸ خانوار کشاورز به طور میانگین درآمد سالانه هر خانوار کشاورز از بخش کشاورزی برابر با ۴۲۳۸۸۸۸۹ ریال می‌باشد. در بخش دامداری برابر با ۳۱۹۱۷۵۰۰۰ ریال می‌باشد با توجه به وجود ۵ دامدار به طور میانگین درآمد سالانه هر خانوار دامدار از بخش دامداری برابر با ۶۳۸۳۵۰۰۰ ریال است (شجاعی، ۱۳۹۱).

#### ۲- روستای عباس آباد

جمع خالص درآمد این روستا از بخش کشاورزی برابر ۵۴۵۱۰۰۰۰۰۰ ریال در سال ۹۲ می‌باشد که با توجه به تعداد ۱۰۷ خانوار کشاورز به طور میانگین درآمد سالانه هر خانوار کشاورز از بخش کشاورزی برابر با ۵۰۹۴۳۹۲۶ ریال می‌باشد. در بخش دامداری برابر با ۲۲۷۸۵۶۰۰۰۰ ریال می‌باشد با توجه به وجود ۵۰ دامدار به طور میانگین درآمد سالانه هر خانوار دامدار از بخش دامداری برابر با ۴۵۵۷۱۲۰۰ ریال می‌باشد.

#### ۳- روستای آب باد

جمع خالص درآمد این روستا از بخش کشاورزی برابر ۴۳۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد که با توجه به تعداد ۱۹۰ خانوار کشاورز به طور میانگین درآمد سالانه هر خانوار کشاورز از بخش کشاورزی برابر با ۲۲۸۹۴۷۳۷ ریال می‌باشد. در بخش دامداری برابر با ۲۵۳۹۸۵۵۰۰۰ ریال می‌باشد با توجه به وجود ۴۷ دامدار به طور میانگین درآمد سالانه هر خانوار دامدار از بخش دامداری برابر با ۵۴۰۳۹۴۶۸ ریال است (شجاعی، ۱۳۹۱). در نتیجه در هر سه روستا دامداران از توانایی مالی مناسبی برخوردارند.

#### نوع مالکیت و بهره برداری اراضی

در حال حاضر آب کلیه اراضی آبی این سه روستا (خرم مکان، عباس آباد و آب باد) از دو کانال به نام‌های کانال بالا تحت پلاک ۷۶۷ و کانال پایین تحت پلاک ۸۶۰ (این پلاک به ۵ پلاک کوچکتر تقسیم بندی می‌شود) که از رودخانه در پایین دست منطقه لغزش منشعب می‌گردد، تامین می‌گردد. روستای آب باد از هر دو کانال و دو روستای خرم مکان و عباس آباد تنها از کانال پایینی برداشت آب دارند که طبق توافقاتی که بین سه روستا صورت پذیرفته، مقرر گردیده که پس از ترمیم این دو کانال، در نزدیکی روستای آب باد، به یک کانال تبدیل گردد و برداشت آب بر اساس زمانبندی صورت پذیرد. مالکیت اراضی در این سه روستا تماماً به صورت مشاع بوده که هر یک از مالکین به میزان اراضی که دارند سند به نام شخص مالک ثبت شده است. بهره‌برداری از اراضی به صورت خرده مالکی و هر شخص در اراضی تفکیک شده خود کشت و زرع می‌کند (گزارش اقتصادی - اجتماعی جهاد کشاورزی مرودشت، ۱۳۹۱).



در جامعه روستایی مورد بررسی اکثریت خانوارها از طریق بهره‌برداری از زمین امرار معاش می‌کند. از این رو مالکیت زمین علاوه بر اینکه سرمایه اصلی و دارایی خانوار محسوب می‌شده، منزلت اجتماعی و موقعیت اقتصادی خانوار را نیز تعیین می‌نماید به عبارت دیگر بین مالکیت اراضی و ساخت طبقاتی ارتباط و همبستگی نزدیکی وجود دارد به همین دلیل کارگران ساده کشاورزی در سلسله مراتب اجتماعی در پایین‌ترین رده قرار می‌گیرند.

### نوع و تعداد واحد های مسکونی

در روستای خرم مکان تعداد واحدهای مسکونی ۱۹۶ واحد، تعداد واحدهای اداری ۹ و تعداد واحدهای تجاری (مغازه) ۲۰ واحد، در روستای عباس آباد تعداد واحدهای مسکونی ۲۲۰ واحد، تعداد واحدهای اداری ۳ و تعداد واحدهای تجاری (مغازه) ۵ واحد و در روستای آب باد تعداد واحدهای مسکونی ۲۸۵ واحد، تعداد واحدهای اداری ۲ و تعداد واحدهای تجاری (مغازه) ۸ واحد می‌باشد (گزارش شورای روستاهای خرم مکان، عباس آباد و آب باد، ۱۳۹۱).

برای مقایسه میزان تمایل به مشارکت در پایداری زمین لغزش در ۲ بخش بین گروهی یک سطح تحصیلات و با سایر تحصیلات به بررسی معناداری آن با استفاده از پرسشنامه تمایل به پرداخت هزینه پایداری در ۱۶۲ سرپرست خانوار سه روستا پرداخته شد. از آنجائی که ۶ گروه تحصیلی بیسواد، ابتدایی، دیپلم و فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس مورد مطالعه قرار گرفته اند (برای دیگر سطوح تحصیلی پاسخ دهنده‌ای وجود نداشته است)، جهت بررسی تفاوت میان این ۶ گروه از آزمون تحلیل واریانس One-way ANOVA استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر است.

جدول ۱- آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی مشارکت بر حسب گروه‌های تحصیلی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F مقدار	میانگن	سطح معناداری
تفاوت بین گروهی	۸۷۹/۰	۳	۰/۲۱۸			
تفاوت درون گروهی	۶۸/۸۷	۲۳۲	۰/۱۰۹	۲۴/۰۳	۲/۲۸	۰/۰۰۰
کل	۸۰/۸۲	۲۳۲	-			

صورت‌بندی فرضیه برای تفاوت بین ۶ گروه تحصیلی

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3 = \mu_4 = \mu_5 = \mu_6$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \neq \mu_3 \neq \mu_4 \neq \mu_5 \neq \mu_6$$

محاسبه‌ی جدول: مقدار  $F = 12/32$  تعین درجه ی آزادی: درجه آزادی سطری 5 و ستونی ۲۳۲ استخراج

$$f T > f j \quad \text{مقایسه: } (3/29) = 0/05, p = 5/289F \text{ (df: FJ)}$$

بر اساس جدول فوق می‌توان استدلال کرد که چون مقدار  $F$ های محاسبه شده مشارکت در پایداری زمین لغزش بیشتر از  $f$  بحرانی می‌باشند، پس با فاصله اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که بین میانگین گروه‌های تحصیلی در مشارکت پایدار نمودن زمین لغزش تفاوت معناداری وجود دارد. از سوی دیگر مقادیر سطح معناداری نوع متغیر فوق کمتر از ۰/۰۵ (Sig1=۰/۰۴۵) می‌باشد. پس با ۹۵٪ اطمینان می‌توان ادعا کرد که بین گروه‌های تحصیلی به لحاظ مشارکت در پایدار نمودن زمین لغزش تفاوت معناداری وجود دارد. جهت بررسی تفاوت میان سطوح تحصیلی از Scheffe test استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد. لازم به ذکر است که تنها سطوح معنادار گزارش شده‌اند.



#### جدول ۲- آزمون Scheffe test برای مقایسه مشارکت مردم بر حسب سطح تحصیلات

متغیر پژوهش	سطح تحصیلات	تفاوت بین سطوح تحصیلی	خطای استاندارد	سطح معناداری
	سیکل	۰/۸۳	۰/۳۶۲	۰/۰۸۴
مشارکت در پایداری زمین	بیسواد	۰/۲۸	۰/۶۱۰	۰/۰۴۱
	ارشد	۰/۷۱	۰/۳۲۰	۰/۰۳۲
لغزش	سیکل	۰/۶۳	۰/۷۰۳	۰/۰۹۱
	فوق دیپلم	۰/۵۱	۰/۳۴۲	۰/۰۶۴
ارشد	دیپلم	۰/۴۳	۰/۵۲۰	۰/۰۴۳
	سیکل	۰/۴۵	۰/۴۳۵	۰/۰۳۱

نتایج آزمون Scheffe test نشان می‌دهد که تفاوت در میان سطوح تحصیلات بیسوادی، با دیپلم، ارشد و سیکل دیده می‌شود. میان دیگر سطوح تحصیلی تفاوت معنادار دیده نشد. همچنین بین مقطع ارشد با دو مقطع دیپلم و سیکل به لحاظ مشارکت تفاوت معناداری وجود دارد. لازم به ذکر است که با توجه با میانگین‌های هر سطح تحصیلی بیشترین مشارکت مربوط به سطح تحصیلات لیسانس (میانگین ۴/۲۳) و کمترین آن مربوط به سطح تحصیلات بیسواد (۲/۶۰) بوده است.

#### نتایج و بحث

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میزان مشارکت جامعه روستایی در ارتباط با سطح تحصیلات رونق بیشتری خواهد گرفت، زیرا درک اجتماعی از نتایج و فواید مشارکت براساس آموزه‌های اجتماعی که در محیط‌های آموزشی و فرهنگی کسب می‌شود راه را برای دستیابی به خرد جمعی هموارتر می‌نماید. در بسیاری از طرح‌های اجتماعی در نظر نگرفتن بخش تحصیلات کنشگران و نقش مهم مشارکت‌های اجتماعی و تاثیر آن در برون رفت جامعه از بن بست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی به کلیه احاد اجتماع نادیده گرفته می‌شود. آنچه که در حفظ سرمایه‌های اجتماعی بسیار مؤثر است و باعث تقویت ساختار اجتماعی در مقابله با بحران زمین‌لغزش می‌گردد، سطح تحصیلاتی است که هر فرد در زندگی خویش کسب می‌نماید. مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری به منظور تقویت مشارکت اجتماعی سهم به‌سزایی دارد، زیرا در محدوده مورد مطالعه بیشتر جوانان از تحصیلات دیپلم به بالا برخوردارند و توانایی درک فرآیندها را دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد همان‌طوری که (حسن‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱) در پژوهش خود اذعان داشتند، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر مشارکت، سطح تحصیلات می‌باشد و هر چه سطح تحصیلات افزایش می‌یابد میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. از طرفی طرح‌های آبخیزداری امروزه چنان وسیع و پیچیده شده‌اند که مدیریت آن‌ها از عهده یک فرد به تنهایی بر نمی‌آید و مدیر مجبور است در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور از ذینفعان کمک بگیرد و با توجه به محدودیت عقلایی که هر انسان دچار آن است، شاید همکاری و تشریک مساعی گروه‌های تحصیلاتی به میزان تمایل به مشارکت تنها راه دستیابی به یک سیستم تصمیم‌گیری منطقی منظم و جامع می‌باشد. روستاهای مورد مطالعه که از طریق پرسشنامه میزان مشارکت آنان سنجیده شد نشان می‌دهد برای تصمیم‌گیری، گروهی که سطح تحصیلاتی بالاتری دارند اولین گزینه برای ایجاد حس تمایل به مشارکت در منطقه می‌باشند. از نتایج این تحقیق می‌توان در پیشبرد اهدافی که در زمینه مدیریت مشارکتی سرزمین نیازمند خرد جمعی می‌باشد استفاده نمود و





پیشنهاد می‌گردد کنشگران کلیدی برای مشارکت فعال روستائیان از بین افراد تحصیل کرده روستاهای منطقه مورد مطالعه انتخاب گردد.

### منابع

- تولایی، ح و علی پور، ف.، (۱۳۹۳)، تحقیق مشارکتی اجتماع محور در چارچوب نظریه کنش متقابل نمادین، مجموعه مقالات همایش ملی مسایل اجتماعی ایران با رویکرد اجتماع محور، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، ۵ اسفند.
- حسن نژاد، م.، کهن‌سال، م.، و قربانی، محمد، (۱۳۹۱)، عامل های موثر بر مشارکت اعضای گروههای توسعه‌ی روستایی در فعالیت های ترویجی حفاظتی پروژه‌ی بین‌المللی ترسیب کربن ایران، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۲(۷)، ۱۰۵-۱۲۴.
- حلاجیان، الف.، ثریایی، ع.، و حسین زاده احمدی، ف.، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران با روش AHP، فصلنامه مدیریت، ۹، ۱۱۳-۱۲۸.
- دهقان، ع.، و غفاری، غ.، (۱۳۸۴)، تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه شناسی ایران، ۶(۱)، ۶۷-۹۸.
- شجاعی، م.، (۱۳۹۱). مطالعات زمین شناسی و پایدارسازی زمین لغزش روستای آب باد شهرستان مرودشت. گزارش اقتصادی اجتماعی: ۱-۵۵.
- شریفیان ثانی، م.، (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری. مجله رفاه اجتماعی، شماره ۲: ۵-۱۸.
- شکوری، ع. (۱۳۸۴). رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آن‌ها. مجله رفاه اجتماعی، ۵ (۱۸): ۱-۲۶.
- قربانی، م.، مهربانی، ع.، ثروتی، م.، و نظری‌سامانی، ع.، ۱۳۸۹، بررسی تغییرات جمعیتی و اثرگذاری‌های آن بر تغییرات کاربری اراضی (مطالعه موردی: منطقه بالاطالقان)، نشریه مرتع و آبخیزداری، ۶۳(۱)، ۷۵-۸۸.
- کمک پناه، ع.، منتظر القائم، س.، و چدنی، ا.، (۱۳۷۳)، پهنه بندی زمین لغزه در ایران، زمین لغزه و مروری بر زمین لغزه های ایران (جلد اول) پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله، ۶۵ صفحه.
- گزارش اقتصادی اجتماعی مرودشت، جهاد کشاورزی مرودشت (۱۳۹۱). پروژه معاونت آبخیزداری، کد پ/ز/۱۰۱: ۱-۵۰.
- گزارش شورای روستاهای آب باد، خرم مکان و عباس آباد (۱۳۹۱). بخش اقتصادی - اجتماعی روستاهای تابعه در معاونت آبخیزداری شهرستان مرودشت. جلد ۲: ۲۰-۴۳.
- مقیم، ح، کاربرد زمین شناسی در آبخیزداری و منابع طبیعی، انتشارات ارم شیراز، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- مهرابی، ع.، محمدی، م.، محسنی ساروی، م.، جعفری، م.، و قربانی، مهدی، (۱۳۹۲)، بررسی نیروهای محرک انسانی مؤثر بر تغییرات کاربری سرزمین (مطالعه موردی: روستاهای سیدمحله و دراسرا- تنکابن)، نشریه مرتع و آبخیزداری، ۶۶(۲)، ۳۰۷-۳۲۰.
- موسوی، م.، (۱۳۹۱). درآمدی بر مشارکت اجتماعی، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران. ۲۰۸ صفحه.
- نظری نوقایی، س.، شعبانعلی فمی، ح.، و ایروانی، ه.، (۱۳۹۱)، عوامل مؤثر بر رضایت دانشجویان از آموزش‌های عملی کشاورزی (پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران)، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (مجله علوم کشاورزی ایران)، ۴۳(۲)، ۲۷۹-۲۷۱.
- Mandarano, L.A., (2009), Social network analysis of social capital in collaborative planning, *Society & Natural Resources: An International Journal*: 22 (3), PP. 245-260.
- Schulz, R.W., (2011), *Environmental literacy in science and society: from knowledge to decisions*, Cambridge university press. 656 pages.